روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

یکشنبه • ۲۰ آبان ۱۳۹۷ • ۳ ربیع‌الاول ۱۴۴۰ • ۱۱ نوامبر ۲۰۱۸ • سال شانزدهم • شماره ۳۲۸۸ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۲۰ • اذان صبح‌فردا ۵:۱۱ • طلوع آفتاب ۶:۳۷

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

میدون و سوفیا

هزینه‌های لایکی!

پوریا عالمی

● این قضیه ورود زنان به ورزشگاه هم قصه شده است. به سوفیا می‌گویم: فدراسیون جهانی به فدراسیون ایرانی فشار داده که زن‌ها را به ورزشگاه راه بدهند تا فوتبال ببینند.

سوفیا می‌گوید: مگر فدراسیون جهانی کاری کند، از شماها که آبی گرم نمی‌شود.

می‌گویم: نگو! من هرچه صفحه توی اینترنت بوده برای حمایت از زنان لایک کردم!

سوفیا می‌گوید: دیگه؟

می‌گویم: یک‌بار عکس دخترانی را که با لباس پسرانه وارد ورزشگاه می‌شوند، توی اینستاگرامم منتشر کردم و زیرش شکلک :(گذاشتم.

سوفیا می‌گوید: دیگه؟

می‌گویم: آن‌دفعه بود که چندتا دختر را جلوی استادیوم دستگیر کردند... من پنج ثانیه بغض کردم.

سوفیا می‌گوید: دیگه؟

می‌گویم: یک‌بار هم از استادیوم آمدم بیرون دیدم یک عالم زن و دختر را راه ندادند... داشتم ساندویچ کالباس می‌خوردم پرید تو گلوم و برای همدردی سرفه کردم.

سوفیا می‌گوید: دیگه؟

می‌گویم: برای دفاع از حقوق زنان رفتم در صفحه پوریا عالمی هرچی حرف نامربوط بلد بودم نوشتم.

سوفیا می‌گوید: دیگه؟

می‌گویم: آن‌دفعه یادت است چهار ساعت از استادیوم تا اینجا توی ترافیک ماندم تا برسم به تو و با هم صحنه آهسته گل‌ها را توی تلویزیون ببینیم؟ فکر کن! چهار ساعت بابت احترام به یک زن.

سوفیا می‌گوید: دیگه؟

می‌گویم: توی ورزشگاه یک‌بار برای جای خالی زنان یک ثانیه سکوت کردم و گولی اشک توی چشمم حلقه زد.

سوفیا می‌گوید: دیگه؟

می‌گویم: آن‌دفعه که تو می‌خواستی گریم پسرانه کنی، ماژیکم را دادم تا سبیل بکشی. یادت رفته؟

سوفیا می‌گوید: خسته نباشی. منفعل‌تر از تو کش شلوار است که تا نکشی از جاش تکان نمی‌خورد. دوتا لایک کردی بهت فشار نیاید.

می‌گویم: پس می‌خواستی چه‌کار کنم؟ چرا هر کاری می‌کنم ناراضی هستی؟ این‌همه هزینه دادم بابت تو و حقوق زنان؟ بس‌تان نیست؟

سوفیا می‌گوید: می‌توانستید شما مردان تا وقتی که ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاه‌ها برداشته شود، استادیوم‌رفتن را تحریم کنید تا ورزشگاه‌ها خالی بمانند.

می‌گویم: اوووووووووووووو وه... تو هم دیگر خیلی توقع داری‌ها. حیف آن‌همه لایک و توییت و اینستاگرام و دایرکت که خرج برابری حقوق شما زنان کردم. واقعا دیگر لایکم را پای شماها نمی‌زنم...

سوفیا چیزی نمی‌گوید... هیچی. اول یک پوزخند تلخ به من می‌زند، بعد می‌بینم آرام اشک می‌ریزد. من چی؟ هیچی؛ یک توییت می‌کنم که طرفدار حقوق زنانم و ورزشگاه بدون زن یعنی ماشین پورشه بدون فرمان و فلان و بیسار و هزارتا لایک می‌گیرم و لبخند پیروزی می‌زنم.

پیشخوان

روان‌پریشی و اسکورسیزی متأخر

● در ادامه درسگفتارهای پاییز ۱۳۹۷ مؤسسه مطالعات سیاسی-اقتصادی «پرسش» در هفته سوم آبان دو درسگفتار در این مؤسسه آغاز می‌شوند. شهریار وقفی‌پور از روز یکشنبه، ۲۰ آبان، ساعت ۱۷:۳۰ دوره جدید درسگفتارهای خود را با عنوان «روان‌پریشی: خدایی که می‌فریبد، مروری بر سمینار سوم ژاک لاکان درباره روان‌پریشی (۱۹۵۵-۱۹۵۶)» آغاز می‌کند. مازیار اسلامی نیز از روز سه‌شنبه، ۲۲ آبان، ساعت ۱۷:۳۰ درسگفتار «اسکورسیزی متأخر» را با فوکوس بر چهار فیلم از این کارگردان؛ گرگ وال‌استریت، هوگو، نوری بتابان و سکوت، شروع خواهد کرد. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر و شرکت در این درسگفتار می‌توانند با روابط‌عمومی مؤسسه «پرسش» تماس گرفته یا به وب‌سایت qporsesh.com مراجعه کنند.

کارتون خواب

استیو برودنر

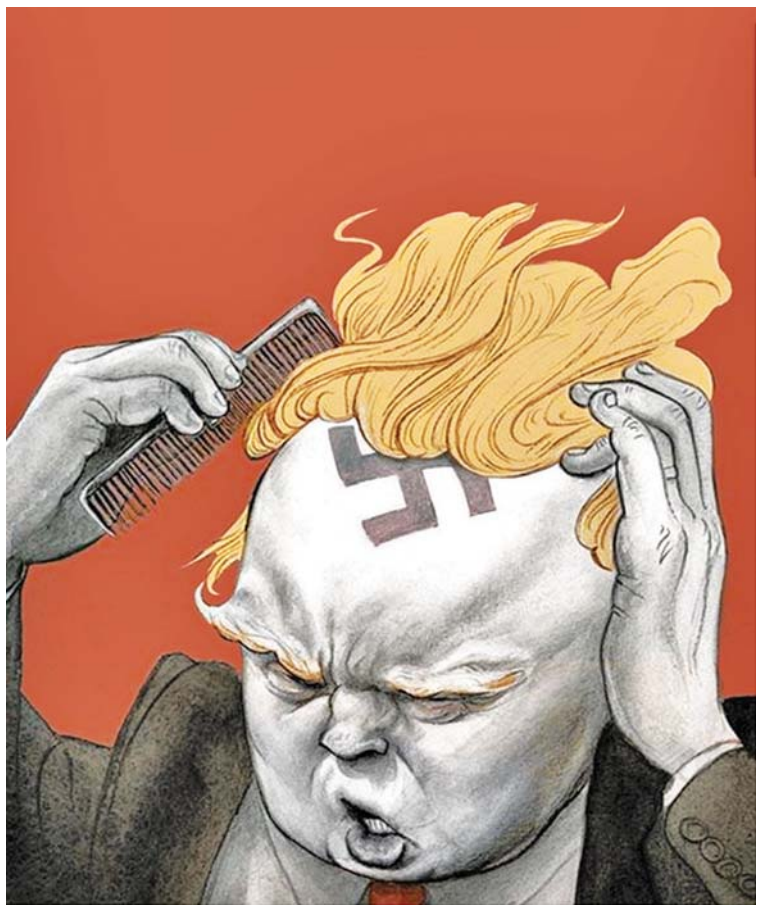

واکنش

نقد انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران به لایحه جدید دولت

به دنبال انتشار متن لایحه مطبوعات و خبرگزاری‌ها، انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران نقطه‌نظرات خود را که پیش از ارسال نهایی این لایحه به دولت از طریق معاونت اجتماعی شهرداری تهران استعلام شده بود، منتشر کرد.

البته همین که دولت و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا هر مسئولی که در دولت مسئولیت تهیه این لایحه را برعهده داشته و بر خود واجب ندیده که نظر انجمن‌های صنفی درگیر مانند انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران را جویا شود، خود محل اشکال است.

متن زیر به صورت رسمی در نقد این لایحه نوشته شده است:

۱) ساختار این متن از نظر نوع نگاه به موضوع مطبوعات و خبرگزاری‌ها، به‌عنوان مصداق‌های مهم رسانه، کاملا مشابه قانون مطبوعات سال ۶۴ است. درواقع این متن موضوع رسانه‌ها و کارکرد آنها به‌عنوان عناصر اصلی، گردش اطلاعات را همان‌گونه دیده است که قانون مطبوعات سال ۶۴. حال آنکه تحولات گسترده و عمیقی که به دلیل تکنولوژی اینترنت و تبعات آن رخ داده است، مسئله گردش اطلاعات و عوامل مؤثر بر آن را به طور کلی دگرگون کرده است. لایحه مورد بحث هیچ توجهی به این موضوع و تغییر مهم نکرده است. همین نقیصه باعث می‌شود این لایحه قادر به سازمان‌دهی موضوع گردش اطلاعات در قلمرو فعالیت رسانه‌هایی مانند مطبوعات و خبرگزاری‌ها نباشد.

۲) با وجود آنکه بیش از ۳۰ سال از عمر قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ می‌گذرد و نیز عملا تغییرات گسترده‌ای در حوزه گردش اطلاعات در ایران رخ داده است؛ اما متن مورد بحث هیچ تفاوت بنیادی و اصولی با قانون سال ۶۴ ندارد. به‌عنوان مثال صدور مجوز، امکان توقیف نشریات و خبرگزاری‌ها، مجازات حبس برای محکومان مطبوعاتی، نهاد حکومتی ناظر بر عملکرد مطبوعات (که نام آن از هیئت نظارت بر مطبوعات به کمیسیون مطبوعات تغییر کرده است) از موارد بنیادینی است که همچنان در این لایحه نیز باقی مانده‌اند. به طور خلاصه با وجود همه تغییرات ۳۰ سال گذشته این لایحه تغییر قابل اعتنایی در رژیم حقوقی مطبوعات و خبرگزاری‌ها در ایران ایجاد نکرده است.

۳) از حیث حقوق اساسی مطبوعات و خبرگزاری‌ها، همچنان تحول پیشروانه‌ای در این لایحه مشاهده نمی‌شود. انتشار مطبوعات و شروع به کار خبرگزاری‌ها همچنان مستلزم اخذ مجوز است. موارد مربوط به حقوق روزنامه‌نگاران اگرچه در متن لایحه حجیم و مفصل است؛ اما اکثرا مواردی هستند که درحال‌حاضر نیز وجود داشته و مبانی آنها در قانون سال ۶۴ نیز موجود است. در مقابل موارد مربوط به محدودیت مطبوعات و خبرگزاری‌ها افزایش یافته است.

۴) مواد ۹۷ به بعد، درباره مقررات هیئت‌منصفه در این متن درخورتوجه است. به نظر می‌رسد مقررات هیئت‌منصفه در این لایحه شیوه مناسب‌تری را که به روح و مبانی هیئت‌منصفه نزدیک‌تر است، انتخاب کرده و از این نظر می‌توان آن را تغییری مثبت و مناسب ارزیابی کرد.

۵) مواردی از این متن دچار اشتباه است؛ مثلا طبق بند ۵ ماده یک مالک یک شخص حقوقی است؛ حال آنکه در مواد ۶۸ و ۷۰ تکالیفی درباره مالک مقرر شده است که فقط می‌توان به شخص حقیقی تکلیف کرد.

۶) اختیارات وسیع و مفصلی که برای کمیسیون مطبوعات پیش‌بینی شده است، غیر از اینکه با حقوق اساس مطبوعات سازگار نیست، از نظر حقوقی هم اشکال دارد. به‌عنوان مثال چنین نهادی نمی‌تواند مبادرت به صدور دستور جبران خسارات مادی و معنوی کند.

۷) نهایتا اینکه لایحه مطبوعات و خبرگزاری‌ها قادر به ایجاد تحول قابل اعتنا در رژیم حقوق مطبوعات ایران نیست و با وضعیت موجود گردش اطلاعات در کشور و امکاناتی که شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌های مختلف ایجاد کرده‌اند، سازگاری ندارد. این نوع نگاه حقوقی به مطبوعات بیش از هرچیز موجب می‌شود مطبوعات و خبرگزاری‌های رسمی و حرفه‌ای کشور در رقابت با فضای غیررسمی و غیرحرفه‌ای مجازی بیش‌ازپیش تضعیف شوند و بازنده رقابت باشند. چنین چیزی نه فقط به زیان فضای رسمی رسانه‌ای کشور است، مغایر با امنیت ملی نیز محسوب می‌شود.

فعالیت مدنی

تحریم، ضد انسانیت است

فریده غیرت
حقوق‌دان

کارزار اینترنتی علیه تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا که دوستان عزیز و هنرمند ما، مانند سرکار خانم رخشان بنی‌اعتماد و آقای مجتبی میرتهماسب طرح و پیشنهاد کردند، مطلبی بسیار جالب بود و من ازجمله افرادی بودم که پای این نامه سرگشاده را امضا کردم؛ چون نظرم درباره این اقدام مساعد بود و آن را بسیار پسندیدم. این نامه با دید بسیار خوبی مطرح شده است و مسئله فشاری را مطرح کرده است که به انسان‌ها و ملت ما وارد می‌شود. باید طراحان تحریم به این مسئله توجه کنند که همه دنیا با این نحوه اقدامات ضدبشری و ضدانسانی مخالف هستند؛ بنابراین من علاوه بر تأیید آن، دوستانم را نیز به امضای آن تشویق کرده‌ام.

تاریخ نشان داده است فشاری که قدرت‌هایی مانند آمریکا می‌خواهند بر ملت‌هایی مانند ایران وارد کنند، نتیجه‌ای عاید آنها نکرده است. این اعمال ضد بشریت و ضد انسانیت است. ما جنگ تحمیلی را پشت سر گذاشته‌ایم و قبل از آن هم کودتای ۲۸ مرداد را از جانب آنان داشته‌ایم که آن موارد نیز فشارهای دیگری علیه ملت ما بوده است. این فشارها هرگز نتوانسته است مؤثر باشد و ملت ما سربلند مانده است. ما ملتی خوب و قوی داریم.

من بدون تعصب می‌گویم، بدون آنکه بخواهم از زبان گروهی یا به نفع گروهی صحبت کنم، به‌عنوان یک ایرانی می‌گویم که ملت ایران مقاوم و قدرتمند است و با این تحریم‌ها هم کنار می‌آید؛ ولی باید به اشخاصی مانند آقای ترامپ و قدرت‌های دیگر هشدار داد که با این مسئله نمی‌توانند ملت ایران را به زانو دربیاورند. ملت ما خود را نمی‌بازد. در برهه‌هایی از زمان افرادی مخالف‌خوانی‌هایی کرده‌اند و گروه‌هایی دم از مسائلی زده‌اند که احیانا برخی از قدرت‌مداران به فکر افتاده‌اند که علیه این ملت اقدام کنند. آمریکا به شکل‌های مختلف نشان داده که همیشه با کشور ما در ستیز بوده است؛ اما مطمئنم که این‌بار نیز شکست خواهد خورد و پیروزی با ملت ماست. بدون آنکه بخواهم شعار سیاسی بدهم، این را قاطع عرض می‌کنم که اقشار مختلف مردم ما یک‌صدا می‌گویند این کارشان نتیجه‌ای نخواهد داشت. آنها شکست می‌خورند و همیشه پیروزی با ملت ماست.

یادداشت

غیردولتی‌شدن، تأثیر دیجیتالی‌شدن

محمدرضا سعیدآبادی
دانشیار دانشگاه تهران

پیشرفت تکنولوژی و به‌اصطلاح دیجیتالی‌شدن بر ابعاد مختلف زندگی انسان تأثیر گذاشته و این پدیده‌ای است که هم متفکران و هم عمل‌گرایان در حوزه‌های مختلف تکنولوژی و فرهنگ به آن پرداخته‌اند و به اعتقاد من نکاتی درخصوص تأثیر دیجیتالی‌شدن بر حوزه فرهنگ قابل بیان است.

نخستین تأثیر دیجیتالی‌شدن در حوزه فرهنگ، موضوع جهانی‌شدن بازارهای فرهنگی است. به این معنا که بستر دیجیتال امکانی فراهم کرده که علاوه‌بر بازارهای اقتصادی و تجاری، بازارهای فرهنگی را نیز جهانی کرده است و جهانی‌شدن بازارهای فرهنگی و صنایع خلاق، از جمله سینما یکی از رخدادهایی است که با ورود تکنولوژی دیجیتال قابل مشاهده است. دومین تأثیر در فرایند دیجیتالی‌شدن حوزه‌های فرهنگی، همسان‌سازی یا همگون‌شدن فرهنگ‌هاست. اگرچه دیجیتال بستری را برای مشارکت همه فرهنگ‌ها از نقاط مختلف دنیا با سلایق متفاوت و دیدگاه‌های مختلف برای تولید کالاهای فرهنگی در زمینه سینما، تئاتر یا بازی‌های رایانه‌ای فراهم کرده، اما آنچه مسلم است تولیدکننده‌ای که از توان بیشتری در پاسخ به تقاضای بازار به‌واسطه سرمایه‌ای که در اختیار دارد، از قدرت بیشتری در تولید و توزیع محصولات خود نیز برخوردار است و در این شرایط با موضوع همسان‌سازی و همگون‌سازی فرهنگی مواجه هستیم.

سومین تأثیر عصر دیجیتال در زندگی روزمره بشر، موضوع فردگرایی است و هر فرد آنچه را که برای خود مطلوب می‌پندارد در بستر شخصی جست‌وجو می‌کند و در نهایت می‌یابد، بنابراین از مختصات دیجیتال‌شدن فردگرایی است. در این میان مدرنیته هم به بحث موردنظر سمت‌وسو داده و خاستگاه تکنولوژی این است که مجموع این تمایلات را با فراهم‌کردن امکان دیجیتال بالفعل کرده است.

بحث دیگر که در حوزه دیجیتال و صنایع خلاق و به‌ویژه سینما در ارتباط است موضوع انبوه‌شدن یا توده‌ای‌شدن تقاضا و تولید در صنایع خلاق است و دیجیتال‌شدن امکانی فراهم کرده که تولیدات فرهنگی ارزان، ساده و سریع تولید شوند و این توده‌ای یا انبوه‌شدن تولیدات در صنعت سینما مشاهده می‌شود.

متنوع‌شدن کالاهای فرهنگی، مبحث دیگر در حوزه ورود دیجیتال در تولیدات فرهنگی است. به دلیل انبوه‌بودن عرضه و تقاضا در تولید کالاهای فرهنگی، با دنیای متنوعی از خدمات و ارائه کالاهای فرهنگی مواجه هستیم و این تنوع کالاهای فرهنگی از تأثیرات دیجیتال بر تولید و عرضه در این بخش است.

یکی از مهم‌ترین تأثیرات دیجیتالی‌شدن در صنایع خلاق، غیردولتی‌شدن این حوزه است. اگر تا چند دهه پیش متولی فرهنگ، تولید کالاهای فرهنگی و سینما دولت‌ها بودند و بازیگران غیردولتی نقش کمی در این عرصه داشتند و همچنان که متولی رفاه، امنیت، آموزش و سایر موارد زندگی بشر دولت‌ها بودند، اما امروزه شاهد هستیم که موضوع صنایع خلاق، سینما و در یک نگاه کلی فرهنگ، صرفا یک فعالیت دولتی نیستند، بلکه با خصوصی‌شدن تولید محصولات در این بخش عملا دیگر در ردیف تولیدات دولتی قرار نمی‌گیرند.

از سوی دیگر به دلیل انبوهی و توده‌ای و خصوصی‌سازی‌شدن، تولید کالاهای فرهنگی به‌عنوان یک کالای تجاری که می‌تواند تولید پول و سرمایه کند جایگاه تجاری پیدا کرده است و اکنون آمار و ارقام تولید خلق ثروت یا سرمایه از کالاهای فرهنگی و صنایع خلاق در کشورهای مختلف یکی از شاخص‌های درآمد و پیشرفت در بخش فرهنگ است. ازهمین‌رو من معتقدم تجاری‌شدن کالاهای فرهنگی و صنایع خلاق از تأثیرات مهم عصر دیجیتال است. در نتیجه این تأثیرات، بین‌المللی یا جهانی‌شدن فرهنگ و سینما نیز مطرح می‌شود و نمی‌توان کالایی را بدون نگاه جهانی تولید کرد.

بنابراین اگر بخواهیم از عصر دیجیتال حداکثر بهره‌مندی را ببریم باید از این تکنولوژی و تأثیرات فرهنگی و اجتماعی آن شناخت کاملی داشته باشیم.

بزرگداشت

یادبود نازنین دیهیمی

مراسم یادبود و گرامیداشت «نازنین دیهیمی»، مترجم و ویراستار ادبی، در اولین سال نبودنش، روز یکشنبه، بیستم آبان، در مرکز فرهنگی «آپارتمان» برگزار می‌شود. در این مراسم دوستان و همکاران «نازنین دیهیمی»، مترجم جوان ادبیات و ادبیات نمایشی، گردهم می‌آیند و به مرور کارنامه پربار او می‌پردازند. «آرمان امید»، نمایش‌نامه‌نویس پیش‌کسوت و دکتر «نغمه ثمینی» درباره آثاری که این مترجم جوان در حوزه ادبیات نمایشی از خود به یادگار گذاشته صحبت می‌کنند. همچنین در این برنامه بخش‌هایی از نمایش‌نامه «آقای نویسنده و همکارش» نمایش‌نامه‌خوانی می‌شود. پیتر حسینلو، بهرنگ شاهین‌پر، پرویز نوروزی و هادی ثابت نیز به یاد او قطعه‌ای موسیقایی خواهند نواخت. این برنامه از ساعت شش تا هشت عصر یکشنبه، بیستم آبان‌ماه، در مؤسسه آپارتمان، واقع در خیابان ایرانشهر، کوچه کلانتری، پلاک ۴۸ برگزار می‌شود. نازنین دیهیمی ۱۲ کتاب در حوزه ادبیات نمایشی، ادبیات کودک و جستارنویسی در زندگی کوتاه و پربارش از خود به‌جا گذاشت. از او ترجمه‌های منتشرنشده‌ای نیز باقی مانده است.

مغز اجتماعی - ۴۲

جشن تمرین غلبه بر ترس از مرگ

عبدالرحمن نجل‌رحیم
مغزپژوه

ترس از مردن شاید سرنوشت‌سازترین ترس‌ها در انسان، تنها موجود اجتماعی‌ای باشد که به مرگ خود آگاه است. از ابتدا یکی از راه‌های غلبه بر ترس از مرگ برای انسان، استفاده از قدرت خیال برای ساختن دنیای پس از مرگ و نامیرایی روح انسان پس از مرگ جسمانی بوده که در افسانه‌ها و آیین‌های همه ملل به اشکال مختلف بروز پیدا کرده است. یکی از این افسانه‌ها در غرب، مراسم هالووین است. گویا در دوهزار سال قبل، سلتیک‌ها در نواحی ایرلند، انگلستان و شمال فرانسه باور داشته‌اند که در روز خاصی از سال در انتهای تابستان ارواح مردگان آزاد می‌شوند تا به دیدار زندگان بیایند. این گمان در میان مردم همراه با نوعی بیدارکننده هیجان ترس از مرگ و تلاش برای فائق‌شدن بر این هراس بوده است. این مراسم شامل پوشیدن لباس‌های عجیب‌وغریب و آرایش نامعمول، زدن ماسک‌های ترسناک به چهره، برای آزارندیدن از ارواح و دورکردن ارواح خبیث و شیطانی از خود و رفتن به در منازل با ماسک بر چهره برای گرفتن خیرات (شیرینی، پول و هدایای دیگر) برای آمرزش ارواح و روشن‌کردن فانوس‌هایی در ابتدا با گذاشتن شمع در داخل شلغم و بعدها کدوتنبل شکم‌خالی و سوراخ‌دار (که این دومی در آمریکای قرن نوزدهم توسط مهاجران ایرلندی شروع شد)، برای دورکردن ارواح شیطانی است. پس از قدرت‌گیری مسیحیت در اروپا این مراسم را به نام هالووین یا روز عید قدیسان نامیدند. با وجود وسایل ارتباطی سریع در تمامی دنیا، شاید جای تعجبی نباشد که در سال‌های اخیر، در ایام هالووین، میوه‌فروشی‌های ایران هم پر از کدوتنبل شود، چون گویا جوان‌های ایران نیز با فانوس‌های ساخته از کدوتنبل، هالووین را جشن می‌گیرند که لابد ارواح شیطانی را از خود دور کنند و به مفهوم امروزی بر ترس از مرگ فائق آیند. گرچه در بعضی از آداب فرهنگی ما مانند قاشق‌زنی در ایام چهارشنبه‌سوری که رسمی در حال فراموش‌شدن است، نیز زنان با چهره پوشیده و ناشناس مانند ارواح بدون کلام به در خانه‌ها برای گرفتن خیرات می‌آمدند. البته امروز بدیلش از غرب به صورت جشن هالووین وارد می‌شود. اما همان‌طوری که گفته شد، ریشه همه این مراسم آیینی در سرتاسر جوامع انسانی، تلاش تاریخی مغز انسان برای فائق‌آمدن بر ترس از بزرگ‌ترین اتفاق واقعی زندگی؛ یعنی مرگ است. مرگ واقعیتی ترسناک است که برای انسان زنده قابل تجربه‌کردن نیست تا بتواند از آنچه که بر سرش آمده گزارشی بدهد. آنچه ما در طول زندگی از مرگ تجربه می‌کنیم، فهم عاطفی و همدلانه‌ای است که از منظر دوم‌شخص از مرگ دیگر عزیزان و نزدیکان، در مغز ما شکل می‌گیرد. به همین دلیل ترس از مرگ پدیده‌ای هیجانی- اجتماعی و واگیردار است. آنچه به‌عنوان تجربه نزدیک به مرگ، به طور استثنائی از منظر اول‌شخص، نقل می‌شود، همه از توهماتی گواهی می‌دهد که مغز قبل از مرگ دچارش می‌شود. بیهوشی قبل از اعمال جراحی نیز در نهایت زمانی ازدست‌رفته بدون حضور خویشتن، تجربه‌ای در تاریکی محض در نیستی موقت می‌گذرد. زمانی که تمامی پنجره‌ها به سوی نور، روشنایی و صدا و سایر ادراکات بدنی بسته می‌شود که تجربه‌ای نامحسوس و نزدیک‌تر به مرگ است، ولی هنوز مرگ نیست. حتی مراحل عمیق خواب نیز با مرگ قابل مقایسه نیستند. مغز آگاه انسان این خلأ تجربی واقعی ترس‌آور مرگ را با آفرینش باور به روح نامیرای قابل تجربه در رؤیا، خیال و توهم خود پر می‌کند. به عبارت دیگر ساختن انگاره روح پس از مرگ و طلب شادمانی‌کردن برای آن از شاهکارهای آفرینش مغز برای غلبه بر ترس از مرگ است. به همین دلیل ارواح بیشتر در تاریکی شب امکان حضور پیدا می‌کنند و راندن روح با روشنایی ممکن می‌شود؛ به‌عنوان‌مثال، در هالووین وقتی که نور فانوس‌ها از درون سوراخ‌های کدوی تزئینی بیرون می‌زند، ارواح دور می‌شوند. جشن‌گرفتن هالووین به‌نوعی تمرین برای غلبه بر ترسی زاییده آگاهی انسان از مرگ است.

به یاد می‌آورم وقتی در یک بعدازظهر دلگیر لبریز از باد و بارش باران به محل زندگی امیلی برونته به بلندی‌های دشت یورکشایر انگلیس به کنار کلیسا و قبرستان رسیدم، دریافتم چگونه مغز دختری جوان و تنهای قرن‌نوزدهمی می‌تواند رمانی مانند «بلندی‌های بادگیر» را خلق کند که در آن بشود جهانی در تسخیر ارواحی در وحشت مرگ در آغوش عشق به زندگی ساخت؛ همان ارواحی را که دوهزار سال پیش سلتیک‌ها در شمال اروپا از ترس مرگ در مغز خود ساختند تا غلبه بر آن را با تمرین در مراسم آیینی هالووین بیاموزند؛ تمرینی که برای گریز از هراس از تجربه مرگ، مغزهای بسیاری از انسان‌ها را به تجسم ارواحی برگشته از دنیای دیگر، در رؤیا، خیال و توهم واداشته تا غلبه بر این ترس تاریخی را در خواب و بیداری تمرین کنند و مراسم هرساله هالووین مانند هر مراسم افسانه‌ای آیینی دیگر، هنوز می‌تواند هسته بادامی ترس و بخش بزرگی از کورتکس پیش‌پیشانی مغز بسیاری از انسان‌ها را به کار گیرد.

این ترس و وحشت کودکی‌ام از خوابیدن تنها در طبقه بالای همیشه در تاریکی‌مانده خانه و عبور شبانه من از درون غلظت تاریکی، همراه با صدای غژغژ کف چوبی اتاق، واهمه‌هایی در مغزم می‌ساخت که مانند ارواحی سرگردان و مزاحم، همیشه در پشت سر من حرکت می‌کردند؛ ارواحی که شرنگ هراسی غیرقابل توصیف را بر بدن لرزان نحیفم می‌ریختند که نشانه تولد آگاهی هراس‌آلود از مرگ در مغزم بود. شاید عبور مکرر از آن دالان تاریک پروحشت در تاریکی شب برای خوابیدن در تنهایی، تمرینی برای مغزم بود در جهت غلبه بر ترس از تاریکی و مرگ که بالاخره می‌بایست خوابیدن در تنهایی و تاریکی را میسر کند و از آن به‌بعد بود که دیگر مدارهای کورتکس پیش‌پیشانی مغز من نگذاشتند تا هسته بادامی ترس در مدارهای خیال‌ساز مغزم، ارواحی را بسازند که در تعقیبم باشند. گرچه هراس ناشی از مرگ آگاهی در مغز هیچ انسانی زدودنی نیست.

این چهل روز

در این چهل روز **شاپور** هرروز می‌آمد،
می‌آمد تا با هم کودکی کنیم،
خاطره بازی،
بترسیم، گریه کنیم،
شکست بخوریم و یتیم شویم.
او می‌آمد تا ما غریب نباشیم و او
تنها نماند.
مراسم چهلمین روز درگذشت برادرمان
شاپور خسروی دهکردی برگزار نمی‌شود و
هزینه‌ها صرف امور خیریه می‌شود.
همایون و شاهرخ خسروی دهکردی